

نقش زنان هنرمند استان گیلان در هنرهای دستی

چکیده

زنان هنرمند گیلانی، بخش چشمگیری از درآمد خالص خانواده خود را تأمین می‌کنند؛ به این صورت که با عرضه نیروی کار ارزان و رایگان خود، در عرصه هنرهای دستی، علاوه بر این‌که درآمد خانواده را افزایش می‌دهند، نقش مؤثری نیز در بقای هنر و فرهنگ این مرز و بوم دارند. مؤلف در این مقاله به تلاش و کوشش زنان گیلانی در زمینه رشد اقتصادی از جایگاه هنری پرداخته است. در پژوهش حاضر، ابتدا نقش زنان گیلانی در عرصه هنرهای محلی و سپس نقوش برخی از هنرهای دستی که زنان هنرمند گیلانی خلق کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. در گیلان، زنان هنرمند روستایی با اختصاص دادن نیمی از جمعیت روستاها به خود، از عوامل غیر مشهود در اقتصاد روستایی به شمار می‌روند. آنان با آثار بدیع و ارزشمند خود فرهنگ و هنر محلی را ارتقا می‌بخشند که این مسأله از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر است. خوداشتغالی زنان و دختران گیلانی از طریق گسترش هنرهای دستی، نقش اقتصادی زنان روستایی را ارتقا بخشیده، شرایط مناسبی را از لحاظ اجتماعی برای آنان فراهم کرده است.

کلید واژه‌ها: هنرهای دستی، زنان هنرمند، رشد اقتصادی، فرهنگ و هنر محلی، بررسی نقوش

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۲/۶

E-mail: leylarahel@yahoo.com.



مقدمه

هنرمند روستایی، هنری می‌آفریند که با زندگی پیوندی نزدیک دارد و از تار و پودی شکل گرفته که با تجارب هنرمندان آمیخته است. او به هر چیز بی‌ارزش، ارزش می‌بخشد و آن را می‌آراید. او همواره در هنر خود خداوند را می‌ستاید و ضمن رعایت و پایبندی به حفظ سنت‌های ایرانی، هرگز در آثارش صرفاً شیوه گذشتگان را تقلید نمی‌کند، بلکه همواره ابتکار و نوآوری را مد نظر داشته، در راه بهبود و تکامل کمی و کیفی دست‌ساخته‌های خود قدم برمی‌دارد و با به کار بردن نقوش و نیز رعایت دانش روز و سلیقه و خواست مردم، به خلق آثار خویش می‌پردازد.

زنان هنرمند گیلانی جزئی از قشر عظیم این هنرمندان به شمار می‌روند و تولیدات هنری آنان چه از نظر اندیشه و تخیل هنرمند و چه از لحاظ مهارت و استادی، آثاری بی‌نظیر به حساب می‌آیند و این در حالی است که متأسفانه تلاش و کوشش آنان در گوشه و کنار روستا، از دیده‌ها پنهان می‌ماند. با آن‌که پژوهش‌های زیادی در زمینه هنرهای دستی گیلان انجام گرفته، اما در مراکز دانشگاهی، کم‌تر به هنرهای محلی که زنان دست‌اندرکار آن هستند پرداخته شده است. حتی در کتاب «گیلان» نوشته ابراهیم اصلاح عربانی به هنرهای محلی استان اشاره شده، ولی جایگاه زنان در این هنرها مورد بررسی قرار نگرفته است. از این جهت، موضوع این پژوهش بکر است و شناساندن هنرهای محلی زنان گیلانی و نقش آنان در تولید هنرهای دستی از اهداف این پژوهش است.

فرضیه‌های این پژوهش را موارد ذیل تشکیل می‌دهند:

- ۱- فعالیت هنری زنان گیلانی یک نوع عمل اقتصادی مؤثر در رشد و توسعه جامعه روستایی به حساب می‌آید.
- ۲- هنرهای دستی با سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه و تفکر و بینش هنرمندان و محیط جغرافیایی و طبیعی رابطه مستقیم و بسیار نزدیک دارند.

۳- زنان هنرمند گیلانی با الهام از طبیعت، نقوش زیبا می‌آفرینند،

۴- اگر زنان هنرمند روستایی از مشارکت در تولید مستقیم دست بکشند کشور ما از میلیاردها دلار صادرات غیرنفتی محروم می‌ماند.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و بررسی نمونه‌های موجود از هنرهای دستی صورت گرفته است. پس از توصیف نقش زنان گیلانی در عرصه هنرهای محلی، نقوش تصویری موجود در آثار هنری آنان توصیف و تحلیل شده‌اند. سپس مشکلات موجود مورد بررسی قرار گرفته‌اند و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی ارائه شده است.

یافته‌ها

شرایط خاص جغرافیایی گیلان و هوای مرطوب و جنگل‌های زیبا از یک سو و سابقه چند هزار ساله هنر و صنعت در این دیار از سوی دیگر باعث شده که گیلان از دیرباز تاکنون دارای دست‌ساخته‌هایی زیبا و گوناگون باشد. به همین دلیل، برای هنرهای دستی گیلان آغازی نمی‌توان یافت. هنرهای دستی گیلان در دوران‌های کهن بسیار پیشرفته بوده و هنرمندان گیلانی در سطح بالایی از ذوق و هنر قرار داشته‌اند تا آن‌جا که نواحی مختلف خاورمیانه را تحت نفوذ هنری خود قرار داده بودند. متأسفانه آب و هوای این منطقه و رطوبت فراوان آن اجازه نداده است که در نواحی جلگه‌ای، آثار باستانی در زیر خاک دوام بیاورد. تنها از کاوش‌های باستان‌شناسی که در گیلان صورت گرفته در مناطق چراغعلی تپه (مارلیک)، رستم آباد، رودبار، عمارلو، املش و تالش، از میان گورها مقداری ظروف فلزی طلا و نقره با نقوش برجسته، مفرغ‌های قلمزده با مضامین نمادی و ظروف

نقش هفت و هشتی قلمزده‌اند که یقه مانندی را القا می‌کند» (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۷۸). در تصویر شماره ۱ می‌توان این نمونه را مشاهده کرد و نقوشی مانند آن را در تصویر شماره ۲ بر روی لباس‌های محلی دختران روستایی می‌توان دید.



تصویر شماره ۱: کتاب گیلان، ۱۳۷۴



تصویر شماره ۲: کتاب گیلان، ۱۳۷۴

نقش زنان گیلانی در هنرهای محلی

در روستاهای گیلان، هر خانوار را می‌توان یک واحد تولیدی محسوب کرد که روی هم رفته یک جامعه تولیدی نسبتاً خودکفا پدید می‌آورد. بیش‌تر کشاورزان گیلان، هنرمندانی هستند که بیش‌تر زمستان به تولیدات محصولات هنری خود می‌پردازند این محصولات عبارتند از: «نازک‌کاری روی چوب، قلابدوزی، بامبویافی، محصولات دستی چوبی به صورت ظروف سالادخوری، گلدان، نمک‌پاش، سینی، کاسه و بشقاب، بشقاب‌های دوار

گلی پخته شده به شکل آدم و حیوانات به دست آمده‌است. نمونه‌هایی که در نواحی کوهستانی و تپه‌های باستانی کشف شده برای معرفی قدمت و عظمت گیلان و تمدن درخشان آن در سه تا پنج هزار سال قبل کافی است. این آثار با ارزش‌ترین اشیای بر جای مانده از فرهنگ محلی گیلان و بزرگ‌ترین غنای هستند که ما را با فضای زندگی و بسیاری مسائل دیگر آشنا می‌کنند. نقش‌ها و طرح‌هایی که بر روی لباس‌های موجود در آثار کشف شده می‌بینیم، از کهن‌ترین نقوش زینتی لباس‌های مردم گیلان به شمار می‌آیند. این تزئینات را هم اکنون هم می‌توان بر حاشیه لباس‌های برخی از زنان ساکن کوهستان و کوهپایه‌ها تا ساحل‌نشینان مشاهده کرد که نشان می‌دهد رابطه نموده‌های زینتی با ما قبل تاریخ، اگر چه کمرنگ، هنوز برقرار است. «در قطعه‌ای از خرده‌ریزه‌های مکشوف در مارلیک، طرح‌هایی زینتی بر روی لباس یک زن را می‌توان دید. نوار زینتی دامن شامل دو بخش است: بخشی طرح زینتی زیگزاگ دارد و بخش دیگر، دارای ساقه‌هایی عمودی است. نوارهای باریکی هم با خطوط افقی هر بخش را از دیگری جدا می‌سازد. بر روی سینه پیراهن، سه ردیف نوار هاشورزده موازی به صورت منحنی طرح شده و در بالای نوارها در حوالی گردن،



تصویر شماره ۳: توسط مؤلف. هنرمند گیلانی در حال بافتن چادرشب

خرده‌فروشی فعالیت دارند و از طریق فعالیت در بازار قادرند بین کالاهای مصرفی و خریداران، زنجیره‌های ارتباطی لازم و مطلوب را برقرار سازند.

بر اساس آماری که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۱ از شهر رشت گرفته‌است، «زنان بیش از مردان، افراد بدون همسر و مجرد بیش از افراد دارای همسر، و افراد خانه‌دار بیش از سایر گروه‌ها به فعالیت‌های هنری و دستی می‌پردازند. با افزایش تحصیلات تا مقطع متوسطه، نسبت انجام فعالیت افزایش و بعد از آن تغییری نمی‌کند. افراد فارس زبان و گیلک در انجام فعالیت‌ها تفاوتی با یکدیگر ندارند و تنوع فعالیت هنری زنان بیش از مردان است» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱: ۱۹۶).

در میان هنرهای دستی گیلان، زنان بیش‌تر به هنرهایی چون بامبوبافی، پارچه‌بافی، سفالگری، گلیم‌بافی، مرواریدبافی، نقاشی روی کدو، قلابدوزی، جاجیم‌بافی و غیره می‌پردازند. آنان با دست‌بافته‌های بسیار گوناگون خود، از قبیل جوراب، شال، دستکش و چادرشب و تزئین آن‌ها با نقوش سنتی و رنگ‌های زنده، استعداد و قابلیت هنری خود را نشان می‌دهند. در هنر زنان گیلانی، طبیعت‌گرایی به صورت مستقیم وجود ندارد، بلکه آنان رمز و نشانه‌هایی از طبیعت را خلاصه می‌کنند و در

نقاشی شده سیاه قلم و رنگی، مجسمه و جاسیگاری و غیره که بیش‌تر از چوب راش، شمشاد، افرا، گردو، زیتون، توسکا و انجیر استفاده می‌شود» (سعیدیان، ۱۳۶۰: ۱۰۵).

بسیاری از هنرهای دستی استان گیلان را زنان هنرمند با دست‌انشان انجام می‌دهند و زنان بیش‌تر از مردان به هنرهای دستی علاقه‌مندند؛ زیرا زمینه اشتغال در خارج از خانه برای مردان بیش‌تر است و این باعث شده که هنرهای دستی در حیطه اشتغال زنان باشد. افزایش جمعیت و کمبود زمینه‌های اشتغال موجب روی آوردن زنان به هنرهای دستی شده‌است. دختران این هنرها را بدون پرداخت هزینه‌ای به صورت استاد شاگردی از مادران می‌آموزند. این رشته دارای ویژگی خانگی بودن است و می‌تواند به طور غیردائم انجام شود و همین خصیصه باعث می‌شود تا به هیچ وجه، مانع و مزاحم سایر فعالیت‌های اقتصادی آنان نباشد. در واقع، تولیدات زنان گیلانی جزء صنایع خانگی به حساب می‌آید و صنایع خانگی به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌گردد که در همان محل سکونت و خانواده مشاهده می‌شود و بیش‌تر این گونه فعالیت هنری در روستاها مصداق دارد و در شهرها به ندرت دیده می‌شود؛ مثل گلیم‌بافی، قالی‌بافی و... زنان روستایی گیلانی در امور بازاریابی و

بررسی نقوش

به طور کلی، نقوشی که هنرمندان گیلانی مورد استفاده قرار می‌دهند به دو دسته تقسیم می‌شوند: نقوش هندسی و نقوش پیچان. نقوش هندسی از خطوط مستقیم به وجود آمده و از قدمت بیش‌تری برخوردارند. این نقوش به شکل مثلث، چهارگوش، زیگزاگ، بعلاوه و غیره هستند و بیش‌تر در بافته‌هایی از نقوش هندسی استفاده می‌شود که امکان استفاده از نقوش پیچان در آن‌ها وجود ندارد، مثل حصیربافی، بامبو بافی و ... در نقوش پیچان از خطوط منحنی، شامل نقوش گیاهی، حیوانی، و نقوش دیگر استفاده می‌شود. هنرمند گیلانی در ایجاد طرح‌های در هم پیچیده که به هم انداختن و همواره کردن آن‌ها مستلزم چیره‌دستی و قوه تخیل است، مهارت دارد و در عین حال در تبدیل شکل‌ها به ساده‌ترین صورت، مهارت خاصی نشان می‌دهد. او با پشتکار و جدیت نقش می‌آفریند و البته به اصالت هنری نقوش نیز اهمیت زیادی می‌دهد.

[مفهوم اصالت هنری در این است که هنرمند، نقشی را که می‌آفریند بیانگر ویژگی‌ها و شرایط زندگی او باشد و این شرایط را به بهترین نحو بیان نماید. برای مثال، اگر زندگی آسان و شاد می‌گذرد رنگ‌ها و طرح‌ها این نتیجه را به ذهن بیننده القا می‌کنند. امروزه در برخی از رشته‌های هنری روستایی، صحت این نظر را آشکارا می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، بسیاری از نقوش گلیم‌بافی و قالی‌بافی از چگونگی ساختمان اقتصادی و اجتماعی یک ایل یا دهکده حکایت می‌کند. بدیهی است که شرایطی که در طرح‌ها منعکس می‌گردند خود، بهترین محرک هنرمند برای ابراز خلاقیت به شمار می‌روند؛ بدان معنا که در این مورد بازار نیست که تعیین می‌کند هنرمند چگونه فکر کند و چه چیزی بسازد، بلکه مجموعه‌ای از شرایط و روابط اقتصادی و اجتماعی حاکم بر خود آن‌ها است] (سازمان صنایع دستی، ۱۳۵۴: ۱۰۵).

با کمی دقت در نقوش هنری گیلان، نقوش مشابه آثار ما قبل تاریخ را می‌توان بر روی بافته‌های آنان دید؛ مانند طرح روی جام مفرغی یافت شده در مارلیک

آثارشان به کار می‌برند. هنرمند روستایی نمی‌خواهد آینه‌ای در برابر طبیعت قرار دهد، بلکه می‌خواهد عناصری از طبیعت را به زندگی خود بیافزاید. او می‌خواهد شیئی که می‌سازد شاد باشد و گویی به طور غریزی دریافته که از ترکیب نقوش ساده با رنگ‌های شاد و خالص می‌توان گوناگونی بی‌پایانی از فرم و نقش را پدید آورد.

هنرمند روستایی، هنری می‌آفریند که با زندگی پیوندی نزدیک دارد و از تار و پودی شکل گرفته که با تجاربتش آمیخته است. او به هر چیز بی‌ارزشی، ارزش می‌بخشد و آن را می‌آراید و همواره در هنرش خداوند را می‌ستاید. تولیدات هنری آنان چه از نظر تفکر و اندیشه و تخیل هنرمند در خلق تصاویر و اشکال بدیع و چه از لحاظ مهارت و استادی در هنر، آثاری بی‌نظیر به حساب می‌آیند. آنان با الهام از طبیعت، نقوش زیبا می‌آفرینند و با استفاده از رنگ‌های الوان، آن نقوش را به زیباترین شکل می‌آریند و ما دوام این نقش و نگارها را مدیون بانوان هنردوست گمنامی هستیم که با دست‌انگیز خویش نقوش زیبا آفریدند و نسل به نسل به دختران خود آموختند.

«زنان در مقابل ۵۰٪ از سهم مشارکت خود در تولید ۹/۱۴ درصد از درآمد‌های رسمی نیروی کار را دریافت می‌کنند. چنین نتیجه‌ای می‌تواند ناشی از برداشت نادرست جامعه باشد که شامل موارد ذیل است: ۱- عدم ارزش‌گذاری، بخش اقتصادی نسبت به کار زن در خانه؛ ۲- انکار سهم مشارکت زنان خانه‌دار در توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و این نتیجه نشان می‌دهد که سهم زنان از تولید به نسبت مشارکت آنان نیست. در سال ۷۷، زنان ایران معادل ۲۵٪ درصد از کل صادرات غیرنفتی کشور به ارزش ۱/۳ میلیارد دلار را به خود اختصاص داده‌اند. اگر زنان از مشارکت در تولید مستقیم دست بکشند کشور از ۱/۳ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی محروم می‌ماند» (مرکز مطالعات زنان، ۱۳۸۱: ۹۴).



تصویر شماره ۴: کتاب گیلان، ۱۳۷۴

انسان و خصوصاً عده‌ای زن که تاج بر سر دارند. تمام این نقوش امروزه بر روی چادرشب‌های ابریشمی قاسم آباد دیده می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه نقوش در طی قرون به زندگی و وجود خود ادامه می‌دهند» (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۴۰، ۳ /).

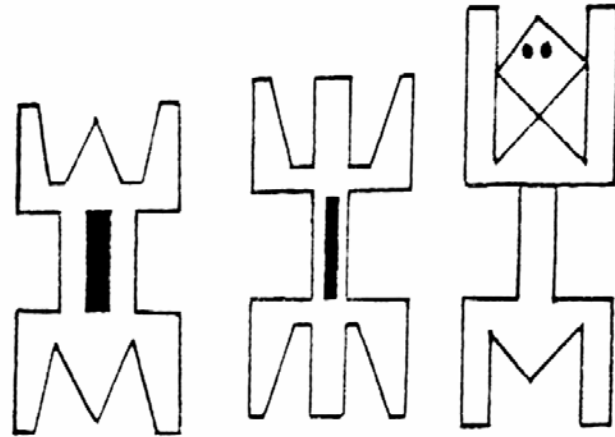
نتیجه‌گیری

در حال حاضر، حدود نیمی از جمعیت روستاهای ما را زنان تشکیل می‌دهند و در ساختار جوامع روستایی، نقش مهمی را ایفا می‌کنند، اما متأسفانه تاکنون چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته‌اند. زنان هنرمند گیلانی در بیش‌تر موارد، نقوش‌ها و نگاره‌های ساده و تجریدی را به کار گرفته‌اند. این نقوش برای آنان و فرهنگ مردم زمانه، مفهوم خاصی داشته‌اند. بی‌آلایشی و نحوه نگرش آنان به محیط پیرامون و طبیعت، سنت‌ها و باورهایی که پدید آمده و در واقع، ارتباط یکسان و یکنواخت آنان با طبیعت و همانندی باورها و سنت‌هایی که در طول قرون از نسلی به نسل بعد رسیده و چندان تغییری نداشته، سبب شده تا رشته وفاداری آنان به خاطره قومی‌شان از هم ننگسلد و نقش‌مایه‌ها همچنان پایدار و با ثبات تکرار گردند، و این خاطره قومی است که گذشته را به حال پیوند می‌دهد و حال را به آینده. توانایی آنان در انتخاب رنگ‌ها و ترکیب آن‌ها باورکردنی نیست. تناسب و خوش‌ترکیبی و

(تصویر شماره ۴) که در جوراب دستبافته زنان تالش در دوره معاصر قابل قیاس است.

بسیاری از نقوشی که در مناطق مختلف ایران باستان، مثل شوش و فارس رایج بوده‌اند، امروزه در بافته‌های گیلان و در سراسر کوهستان‌ها و کوهپایه‌ها می‌بینیم؛ مانند انواع نقش سگ، بزهای پا کوتاه و پا دراز، اسب و نقوش شانهای، نقوش گوناگون ساقه درختی، نقش آدم نشسته با زانوهای بالا آمده و طرح‌های الوان از نوع همان نقوشی که زنان قاسم‌آبادی می‌بافته‌اند. نقوش کاجی شکل، طرح‌های زیگزاگی، اردک‌های در حال شنا، نقش صلیبی و نقوش پُر کردنی، شامل گلدان، نقوش فیگوراتیو، نقش ماه و غیره. این نقوش از لحاظ شیوه کار و سادگی تصویر از نقوش نمادین هستند که تاکنون به صورت نقوش سنتی برای ما باقی مانده‌اند.

نقوش به کار گرفته شده توسط هنرمندان گیلانی، در بیش‌تر هنرهای دستی آنان مشترک است. برای مثال، نقوشی که در گلیم‌بافی استفاده می‌شود، همان نقوشی است که در قالی‌بافی به کار می‌رود، ولی به دلیل این‌که در گلیم‌بافی امکان استفاده از نقوش پیچان نیست، نقوش حالت هندسی به خود می‌گیرند. همچنان «نقوش قالی‌ها شباهت فوق‌العاده‌ای به نقش چادرشب‌های قاسم‌آبادی که امروزه در قاسم‌آباد گیلان بافته می‌شود، دارد. این نقوش عبارتند از: اسب‌سوار، درخت، گوزن با شاخ‌های بلند،



تصویر شماره ۵: سمت چپ: طرح آدم نشسته بر روی چادرشب (قاسم آباد)؛

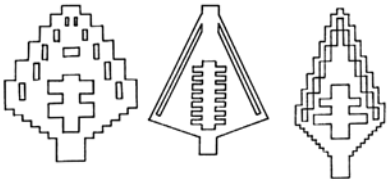
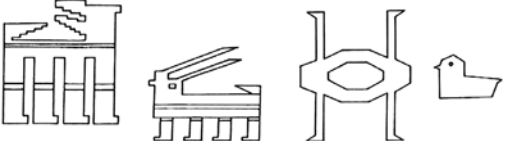
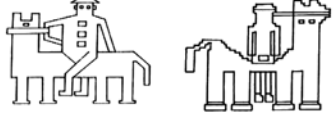
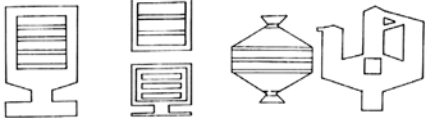
وسط: طرح آدم نشسته بافته شده بر چادرشب ناحیه داماش عمارلو؛

سمت راست: طرحی نظیر طرح‌های کشف شده در تل باکون فارس: کتاب گیلان، ۱۳۷۴

خدمات نباشند، بلکه شرکت‌کنندگان و تصمیم‌گیرندگانی فعال باشند تا بتوانیم در واقع، به جامعه‌ای دست یابیم که در آن، تساوی حقوق زنان و مردان رعایت می‌شود. در فرایند مشارکت زنان نباید نقش آموزش را نادیده گرفت، زیرا آموزش در همه زمینه‌ها از جمله در هنرهای دستی؛ زیرا آموزش، جریان نظام‌یافته و هدفمندی است که به منظور رفع کمبودهای فرهنگی و ارتقای سطح تولیدات هنری صورت می‌گیرد. شایان ذکر است با توجه به نقش مؤثر زنان، به‌ویژه زنان روستایی در فعالیتهای هنری، آموزش این گروه باید به گونه‌ای باشد که باعث سطح ارتقای آگاهی آنان شود و آنان را به سوی بهینه‌سازی روش‌های تولید و استفاده بهتر و بیش‌تر از امکانات سوق دهد؛ به گونه‌ای که تأمین‌کننده بخشی از اهداف توسعه روستایی باشند. آموزش زنان و دختران روستایی باعث بالا رفتن مهارت‌های آنان، بهره‌برداری مطلوب از نعمت‌های الهی، افزایش کارایی و گسترش فعالیت‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های مناسب شغلی و همچنین افزایش درآمد خانواده می‌شود. آموزش زنان از این لحاظ اهمیت دارد که آنان به سبب دارا بودن رسالت تداوم بخشیدن به نسل

چشم‌نوازی رنگ‌ها و هماهنگی و تقارنی که در میان آن‌ها به چشم می‌خورد، نشان از توانایی و تجربه غنی هنرمندان در طول سال‌های رنج و مشقت دارد. آنان چنان در ترکیب رنگ‌ها هماهنگی به وجود می‌آورند که نامی جز تجلی احساس رنگ نمی‌توان بر آن نهاد.

هنرهای دستی برای بخش وسیعی از مردم کشور ایجاد اشتغال کرده، در برخی موارد از چنان بازده اقتصادی‌ای برخوردار است که تنها شغل دائمی هنرمندان به شمار می‌رود. یکی از راه‌های بالا بردن درآمد روستاییان و پُر کردن اوقات فراغت آنان، توجه به هنرهای دستی روستایی است. فعالیتهای هنری زنان گیلان، یک شغل فصلی یا دائمی و مکمل درآمد خانواده به شمار می‌آید. خوداشتغالی زنان و دختران گیلانی از طریق گسترش هنرهای دستی قادر است تا حد زیادی نقش اقتصادی اجتماعی زنان روستایی را ارتقا بخشد و شرایط مناسب‌تری را از لحاظ اجتماعی و اقتصادی برای آنان فراهم کند. از این رو می‌توان هنرهای دستی را عاملی برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها دانست. امروزه باید با افزایش مشارکت زنان، آنان را به سوی توانمندشدن سوق دهیم تا تنها دریافت‌کنندگان منفعل

	گیاهی
	حیوانی
	فیگوراتیو
	طبیعت بیجان

تصویر شماره ۶: توسط مؤلف. نمونه‌ای از نقوش هنرهای دستی گیلان

تولیدکنندگان هنرهای دستی روستایی قادر به توسعه فعالیت هنری خود نباشند. صنایع ماشینی به دلیل سرعت افزایش عرضه، رقیبی سرسخت برای هنرمندان روستایی به حساب می‌آیند؛ مانند تولید جاجیم‌های ماشینی که امروزه فراوان و با قیمت ارزان در دسترس شهرنشینان قرار دارد. البته به‌خوبی آشکار است که این تولیدات ماشینی هرگز کیفیت و مرغوبیت کالاهای دستیافت را ندارند.

بیسوادی و پایین بودن سطح اطلاعات هنرمندان روستایی، نوعی رکورد و عدم قبول شیوه‌های نو را در این زمینه به وجود آورده و موجب شده که آنان فاقد اعتمادبه‌نفس باشند. هنگامی که مأموری برای رسیدگی به وضع حرفه آنان به روستاها مراجعه می‌کند، آنان با او همکاری نمی‌کنند؛ زیرا براساس مطالعات جامعه‌شناسی ثابت شده که زنان هنرمند روستایی دارای روحیه و تفکری انفرادی هستند و در گروه‌های کوچک خانگی با هم کار می‌کنند. آنان به حفظ استقلال خود کاملاً پایبندند و کم‌تر حاضر به

و تربیت نسل، نقش مهمی در تقویت و انتقال فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی و هویت ملی دارند.

امروزه، در گیلان به دلیل نابسامانی اقتصادی از دقت کار زنان هنرمند گیلانی کاسته شده و زنان از نقش‌اندازی جذاب و چشمگیر، به تهیه و عرضه لباس‌های بازاری روی آورده‌اند. چادرش‌های مرغوب کم‌کم از رونق می‌افتند و دست‌های زنان و دختران جوان بالفطره مستعد ما که امید حال و آینده هستند، آسان‌گیری و آسان‌سازی را پیشه کرده‌اند. بافته‌های گیلانی را دیگر کسی نمی‌شناسد و در گمنامی به سر می‌برند. نقوش اصیل و زیبایی که زنان هنرمند سالیان سال با مشقت و رنج ایجاد کرده و به دختران خود آموخته‌اند، در حال ساده شدن هستند و به نوعی به فراموشی سپرده شده‌اند. دیگر فرد علاقه‌مندی یافت نمی‌شود که به دنبال رنگ‌های تند و زیبای سنتی باشد و دلیل این امر، مشکلات زیاد هنرمندان در زمینه تهیه مواد اولیه مصرفی و مشکل بازاریابی است. فقدان امکانات مالی باعث می‌شود که بیش‌تر

ایجاد تشکیلات منظم و گروه‌های متشکل بین خود هستند.

پیشنهادها

تمایل نوجوانی باعث شده که بعضی از افراد به هنرهای دستی روستایی، نظری نامساعد داشته، آن را از بقایای نظام کهنه و فرسوده سابق بدانند. در این وضعیت، مدافعان هنرهای دستی روستایی، متهم به کهنه‌پرستی و عدم هماهنگی با شرایط زمان می‌شوند و این خود، عاملی است که مانع تحرک، تکامل و رشد هنرهای دستی روستایی می‌شود. البته از میان برداشتن این مشکلات نیاز صرف به هزینه موجود اطلاعات و تسهیلاتی دارد که خارج از حدود و توانایی روستاییان است و از این رو، دخالت دولت در این امر ضرورت دارد. برای مبارزه با این مشکلات، مدیریت صنایع دستی گیلان باید نقش‌های اصیل و سنتی را جمع‌آوری و تکثیر کرده، هنرمندان را تشویق به استفاده از این نقوش کند و دلیل این کار را، که تداوم بخشیدن به فرهنگ‌های قومی است، به آنان توضیح دهد. همچنین باید مواد مصرفی هنرهای مختلف را به صورت ارزان در اختیار هنرمندان قرار دهد و با برپایی نمایشگاه‌های متعدد تولیدات هنرهای دستی، نسل جوان را به این هنرهای اصیل علاقه‌مند سازد؛ زیرا درک فرهنگ روستا و حفظ اصالت روستایی باعث تلاش مضاعف در رشد و شکوفایی محیط روستا می‌شود. پس باید هم ایرانی بودن را حفظ کرد و هم روستایی بودن را و در کنار آن، امیدوارانه و منظم تلاش کرد.

برای توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاییان گیلانی باید توان بالقوه بسیار بالای زنان و دختران را به فعلیت تبدیل کرد. تحقق این امر موجب افزایش توانایی هنرمندان گیلانی می‌گردد و بالطبع توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. به اعتقاد کارشناسان آنچه برای کشورهای در حال توسعه ضروری و لازم است، نخست وجود یک

اراده قاطع در سطح دولت است که بتواند از تمام نیروهای ملی و همه مردان و زنان برای توسعه اقتصادی و به همراه آن توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی استفاده کند. مشارکت مردان و زنان در امور عمومی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و پویایی یک جامعه و از بزرگ‌ترین پشتوانه‌های قدرت مالی است. ضرورت و امر لازم دوم، استقرار چنان حاکمیتی است که با ایجاد زمینه‌های تعامل همگانی، همه ظرفیت‌های انسانی بتوانند به‌طور کامل در آن شکوفا گردند.

با سهیم ساختن عادلانه زنان در منافع به دست آمده از تولیدات هنری روستایی می‌توان به افزایش این تولیدات دست یافت و باعث بالا رفتن درآمد خانواده‌ها و همین‌طور صادرات غیرنفتی کشور شد. با رشد و حمایت از تولیدکنندگان هنرهای محلی به احیای فرهنگ و هنر کمک فراوان خواهد شد و با آموزش دختران و زنان می‌توان به ایفای نقش فرهنگ‌ساز آنان در خانواده و جامعه کمک کرد؛ زیرا آنان به سبب عهده‌دار بودن رسالت تداوم بخشیدن به نسل و تربیت آن، نقش مهمی در تقویت و انتقال فرهنگ و تقویت هویت ملی و به عبارت دیگر، در تقویت بُعد فرهنگی دارند. همچنین ایجاد کارگاه‌های آموزشی هنرهای دستی نیز می‌تواند کمک بزرگی به تولیدکنندگان هنر روستایی باشد؛ آن‌هم از طریق این روش‌ها: بالا بردن کیفیت تولیدات هنرهای دستی، افزایش درآمد روستاییان، ایجاد انگیزه برای ظهور یا افزایش خلاقیت‌ها و ابتکارات در مناطق روستایی، حضور دختران و زنان در صحنه‌های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، آگاه کردن دختران و زنان روستایی از اهمیت نقش خود در تولید و اقتصاد خانواده، فراهم آوردن زمینه‌های مناسب تشویق برای ایجاد انگیزه در دختران جوان به منظور تولید انواع دست‌بافته‌های محلی خویش، اعطای وام و ایجاد پس‌انداز با شرایط آسان برای تشویق زنان و دختران روستایی به تولید هنرهای دستی.

پی‌نوشت‌ها

۲- هنرهای محلی به آن دسته از هنرهای دستی اطلاق می‌شود که عمدتاً با استفاده از مواد اولیه بومی ساخته می‌شود.

۳- بامبو یا نی خیزران، گیاهی است که در دامنه کوه‌ها و تپه‌هایی که رطوبت نسبی هوای آن ۶۵ تا ۹۵ درصد باشد، می‌روید.

۱- هنرهای دستی به آن گروه از هنرها اطلاق می‌شود که قسمت اعظم مراحل ساخت آن با دست انجام گیرد و در چارچوب فرهنگ و بینش‌های فلسفی و ذوق و هنر انسان‌های هر منطقه با توجه به دیدگاه‌های قومی آنان ساخته و پرداخته شود.

فهرست منابع

- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴)، کتاب گیلان، تهران، انتشارات گروه پژوهشگران ایران.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۶۰)، دائرةالمعارف سرزمین و مردم ایران، تهران، انتشارات مجله علم و زندگی.
- رفتارهای فرهنگی ایرانیان (۱۳۸۱)، یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در رشت، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- مرکز مطالعات زنان (۱۳۸۱)، زنان و گفتگوی تمدن‌ها، تهیه و تنظیم مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، تهران، انتشارات برگ زیتون.
- نقش صنایع دستی و روستایی در توسعه اقتصادی (۱۳۵۴)، تهران، انتشارات سازمان صنایع دستی.

Archive of SID